

قاعده فقهی «تألیف قلوب» به مثابه راهبرد توسعه گردشگری حلال

حسین ادبی^{۱*}، قاسم نوربخش^۲

۱- محقق و مدرس حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران

۲- دانش آموخته ی سطح ۳ حوزه علمیه خراسان مشهد، ایران

پذیرش مقاله: ۱۰ شهریور ۹۸

دریافت مقاله: ۱۰ خرداد ۹۸

چکیده

نظام اسلامی در سالهای اخیر با مشکلات فراوانی مواجه شده که عمده آنها ناشی از اقتصاد وابسته به نفت است. گردشگری حلال یکی از شاخه های فعالیت اقتصادی است که میتواند ضامن توسعه اقتصاد غیرنفتی در کشور شود. از طرفی ظرفیت عظیم مساجد و اماکن مقدس مذهبی همچون حرم ائمه علیهم السلام فرصت بی نظیری برای گردشگری حلال است که اگر اجازه ورود به این اماکن به گردشگران غیر مسلمان داده شود، ارزش افزوده فراوانی را در عرصه اقتصادی و تبلیغ دین اسلام و فرهنگ ناب اسلامی تولید میکند. با توجه به حرمت ورود مشرکان و کافران به مساجد و حرم معصومین علیهم السلام، در این مقاله با روش توصیفی، کتابخانه ای به دنبال تبیین قاعده فقهی «تألیف قلوب» و بهره گیری از آن برای توسعه گردشگری حلال با ارائه مجوز فقهی ورود اهل کتاب به مساجد و اماکن مقدس اسلامی هستیم. با بررسی ادله تألیف قلوب و همچنین ادله عدم جواز ورود مشرکان به مساجد، در پایان چنین به دست آمد که اهل کتاب که بخش عمده گردشگران خارجی را تشکیل میدهند، از شمول آیه حرمت ورود به مساجد خارج اند، در نتیجه میتوان با سرمایه گذاری و هدف گذاری مناسب در این راه، و با بهره گیری از جلوه های هنری زیبا و آرامش معنوی منحصر به فرد این اماکن، به توسعه گردشگری حلال و اقتصاد درون زا در کشور کمک کرد و فرهنگ اسلامی را نیز به دیگران منتقل کرد.

کلمات کلیدی: تألیف قلوب، اهل کتاب، مسجد، مسجد، گردشگری حلال، گردشگری مذهبی.

۱. مقدمه

گردشگری حلال یکی از ظرفیت های عظیم درآمد زایی گردشگری معطوف به دو عرصه گردشگری مذهبی و و توسعه اقتصادی نظام اسلامی است. این نوع از گردشگری با شاخص های حلال است. گردشگری مذهبی

* نویسنده مسئول: حسین ادبی، آدرس ایمیل: Adabial@gmail.com

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.104821>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license](#)

به معنای حضور در اماکن مقدس مذهبی و بهره مندی از ظرفیت های معنوی این اماکن است.

همچنین به مراسم های خاص که در مناسبت های خاص در مکان های خاص برگزار می شود نیز می توان گردشگری مذهبی اطلاق کرد. اماکن مقدس مذهبی همچون مساجد و حرم معصومین علیهم السلام بستر مناسبی برای گردشگری حلال هستند. این اماکن که از جذابیت های بالای معماری، نقاشی، خطاطی، طراحی و دیگر جلوه های بصری برخوردارند، میتوانند زمینه توسعه اقتصادی بر پایه گردشگری حلال را رقم بزنند.

علاوه بر این، این اماکن دارای آرامش برخاسته از اعمال عبادی و ارتباطی است که نمازگزاران و زائران با خدای خود برقرار میکنند و این عنصر برجسته نیز باعث جاذبه بیش از پیش آنها برای گردشگران جویای آرامش و معنویت می گردد.

غالب کسانی که اماکن مقدس مذهبی را برای گردشگری انتخاب می کنید، مسلمانان هستند. دلیل این امر این است که آژانس های گردشگری و متولیان مدیریت توریست، این پیشفرض را در ذهن دارند که ورود غیرمسلمانان به این اماکن مجاز نیست، بنابراین برنامه های گردشگری خود را در دیگر جاذبه های گردشگری متمرکز می کنند.

عدم جواز ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدس همچون مساجد و حرم های امامان معصوم علیهم السلام حجم

وسعی از فرصت های گردشگری را از بین می برد. از سوی دیگر، فرصت ترویج معارف دین مبین اسلام و ویژگی های منحصر به فرد این دین در تجلی زیبایی های بصری، با محدودیت این چنینی از بین میرود و کسانی که میتوانند با دیدن این اماکن و زیبایی های ظاهری و معنوی آنها، به دین مبین اسلام متمایل شوند، از چنین ظرفیت عظیمی محروم می مانند.

با در نظر داشت اهمیت این موضوع و ضرورت توسعه اقتصاد غیرنفتی و درون زای جامعه ی اسلامی و همچنین ترویج فرهنگ اسلامی در میان غیرمسلمانان، نویسنده در این مقاله بر آن است تا با بهره گیری از قاعده فقهی «تألیف القلوب»، راهکاری برای توسعه گردشگری حلال در این زمینه بیابد.

یکی از قواعد موجود در فقه شیعه، تاعده تألیف القلوب است. این تاعده برگرفته از آیه ۶۰ سوره توبه است. در این آیه آمده است: «زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای [جمع آوری] آن زحمت میکشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام میشود، و برای [آزادی] بردگان، و [ادای دین] بدهکاران، و در راه [تقویت آیین] خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه [مهم] الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است»^۱.

یکی از مصارف زکات در این آیه، تألیف قلوب و جلب محبت افراد به دین اسلام عنوان شده است. همه فقها و همچنین مفسران قرآن بر این نکته اتفاق نظر دارند که تألیف قلوب به معنای جلب محبت کفار و مانند آنان به

^۱ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاتِ. قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (توبه: ۶۰)

اسلام است. اگر بخواهیم از این قاعده برای اثبات جواز حضور گردشگران غیر مسلمان در اماکن مقدس استفاده کنیم، ابتدا باید قاعده مذکور را تعریف کرده و سپس به بررسی ادله قائلین به حرمت ورود غیر مسلمانان به اماکن مسلمانان بپردازیم و پس از آن، با استدلال بر پایه قاعده فقهی «تألیف القلوب»، جواز حضور غیر مسلمانان را در اماکن مقدس اثبات کنیم.

۲. قاعده فقهی «تألیف القلوب»

«تألیف» از نظر لغوی به معنای پیوند دادن و «تألیف قلوب» به معنای پیوند دادن میان دل ها از جهت معنوی است. تألیف قلوب در اصطلاح فقهی، حمایت اقتصادی پیامبر، امام یا حاکم اسلامی از کفار، منافقین یا مسلمانان متزلزل به منظور همراهی آنها با اسلام و دفاع از آن است. کسانی که به این منظور مورد حمایت قرار میگیرند، «المؤلفه قلوبهم» یا «مؤلفه القلوب» نامیده می شوند. [۲]

۱،۲. قلمرو قاعده:

دیدگاههای متفاوتی از سوی فقهای امامیه درباره اینکه منظور از «مؤلفه قلوبهم» در آیه مذکور چه کسانی هستند، ارائه شده است.

برخی از فقها همچون شیخ طوسی [۳] تألیف قلوب را منحصر در کفار دانسته و گفته اند: امام مسلمانان میتوانند با بخشش مال و زکات به آنها، باعث خوشبینی آنها نسبت به اسلام شده و در مواقع جهاد و مبارزه علیه دشمنان اسلام از آنها یاری بگیرد.

برخی مؤلفه قلوبهم را منحصر در مسلمانان ضعیف الایمان دانسته و گفته اند این اصطلاح درباره افراد ضعیف الایمانی

که به ظاهر اسلام آورده بودند، ولی در دل نسبت به پیامبر شک و تردید داشتند و رفتاری منافق گونه داشتند، آورده شده است و پیامبر به افرادی از این دست (افرادی همچون ابوسفیان) از زکات می پرداختند تا دلهای آنها را به اسلام و مسلمین متمایل کنند. [۴] برخی از فقها همچون ابن جنید اسکافی این اصطلاح را منحصر در منافقان دانسته اند. [۵]

اما اکثر فقهای شیعه، «مؤلف قلوبهم» را منحصر در یک گروه نکرده و تمامی مسلمانان ضعیف الایمان، مسلمانان مرزنشین، منافقان، مشرکان و کافران را مشمول این عبارت دانسته اند. به عنوان مثال، محمدجواد مغنیه در این باره می نویسد:

فقها در اینکه آیا مؤلفه القلوب آنانی هستند که اظهار اسلام نمی کنند و یا منظور، مسلمانان شک و ضعیف الایمان هستند، اختلاف نظر پیدا کرده اند. مسلم این است که پیامبر ﷺ، مشرکان را تألیف قلوب می کرده و صفوان بن امیه از جمله آنها است. همچنین منافقان را نیز تألیف قلوب می کرده که ابوسفیان از جمله آنها است و در این باره روایاتی از اهل بیت وارد شده است، لذا میتوان گفت تألیف قلوب شامل هر دو گروه میشود. برخی از مذاهب فقهی معتقدند حکم تألیف قلوب، بعد از پیامبر ﷺ ساقط شده است. چون آن وقت مسلمین ضعیف بودند و به آن نیاز داشتند، ولی دیگر نیازی به آن ندارند، اما فقهای شیعه معتقدند مادامی که در روی زمین، غیر مسلمانی باقی است، حکم تألیف قلوب نیز به قوت خود باقی است، چون محال است که مسبب (تألیف قلوب) از بین برود و سبب آن (غیرمسلمان) باقی بماند و معلول ساقط شود، در حالی که علتش موجود باشد. [۶]

همچنین حضرت امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله در باب مصارف زکات به این نکته اشاره کرده و میفرماید:

آنان (مؤلف قلوبهم) کافرهایی هستند که هدف آن است که به جهاد کردن (برای اسلام) بپردازند و یا به دین اسلام مایل شوند و مسلمانانی هستند که عقایدشان ضعیف است که به خاطر تألیف قلوبشان به آنها زکات داده می شود و ظاهر آن است که این گروه (نیز) در این زمان ساقط نشده است. [۷]

امام خمینی علیه السلام معتقد است که حکم تألیف قلوب در عصر حاضر نیز باقی است و نسخ نشده و البته موضوع آن نیز موجود است و میتوان بخشی از زکات را در این راه به مصرف رساند. نکته قابل تأمل در این باره این است که حضرت امام خمینی علیه السلام با این بیان، قاعده ی تألیف قلوب را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام قابل اجرا می داند.

این نظر ایشان، خلاف نظر برخی از فقهاست که این حکم را منحصر در زمان حضور امام معصوم علیه السلام دانسته و در عصر غیبت اجرای این حکم را ممکن نمی دانند. از جمله این فقها می توان به شیخ طوسی اشاره کرد. علامه بحرانی، در این باره می نویسد:

از آنجا که شیخ طوسی، تألیف قلوب را فقط از لوازم جهاد ابتدایی می داند و از طرفی، در زمان غیبت امام زمان علیه السلام جهاد ابتدایی جایز نیست. بنابراین نتیجه گرفته است که در زمان غیبت امام، تألیف قلوب نیز جایز نخواهد بود، اما روشن است که جهاد، تنها به جهاد ابتدایی منحصر نیست و جهاد دفاعی نیز نوعی از جهاد است که در زمان غیبت امام معصوم جایز

بوده و لذا میتوان تألیف قلوب را از لوازم آن دانست [۴]

مرحوم آیت الله ضیاءالدین عراقی نیز در این باره میگوید:

تألیف قلبی که باعث شوکت و عظمت اسلام باشد، جایز است و اختصاص به کافر یا مسلمان، فقیر یا غنی ندارد، چنان که اختصاص به زمان حضور امام زمان علیه السلام ندارد و کسانی که این موضوع را با جهاد ابتدایی پیوند داده اند و به تبع جهاد ابتدایی، تألیف قلوب را نیز جایز ندانسته اند، سخنشان بی دلیل و غیرقابل پذیرش است. [۸]

اگر نظر اکثر فقها درباره قلمروی تا عده «مؤلفه قلوبهم» را بپذیریم و تمامی کافران، مشرکان، منافقان و مسلمانان ضعیف الایمان را مشمول این قاعده بدانیم، در مرحله بعد باید به این سؤال پاسخ دهیم که چگونه میتوان از این قاعده در جهت توسعه گردشگری به ویژه بازدید از اماکن مقدس مذهبی روشن و آشکار شود. به عبارت دیگر باید به این پرسش پاسخ داد که آیا می توان گردشگری و بازدید از اماکن مقدس مسلمانان را مصداق تألیف قلوب دانست یا نه؟

برای پاسخ به این پرسش، دوباره باید معنای تألیف قلوب را مورد مذاقه قرار دهیم. طبق تفسیر مفسران و نظرات فقها، مصرف زکات در راه تألیف قلوب از این جهت مجاز دانسته شده تا بدین وسیله حکومت اسلامی قدرت یافته و بتواند در مقابل دشمنان خود، یار و یاور فراهم آورد. همچنین در مسلمانان ضعیف الایمان در قلمروی حکومت اسلامی یا افراد منافق درون حکومت

اسلامی با این ابزار، به دین اسلام متمایل شده و علیه آن اقدامی نکنند. همچنین زمینه برای گرایش کافران و مشرکان به دین مبین اسلام به واسطه بخشش مالی به آنان فراهم شود.

استفاده از ابزار مالی برای تبلیغ اسلام وجود ندارد، لذا میتوان با الغای خصوصیت از ابزار مالی زکات، استفاده از هر ابزاری که بتواند هدف تبلیغ دین را تأمین کند، جایز شمرد.

اگر در سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره جستجو کنیم، به مواردی برمی خوریم که پیامبر در اوج قدرت حکومت اسلامی خود به کافران، مشرکان و منافقان تألیف قلوب می کردند؛ به عنوان نمونه پس از فتح مکه بدون خونریزی که اوج اقتدار پیامبر ﷺ را نشان می داد، ایشان خانه ابوسفیان را محل امن قرار دادند و پس از آن بارها او را از زکات اموال بهرمنند کردند. همچنین در همین زمان، کافران و مشرکان نیز توسط پیامبر از زکات بهرمنند می شدند و پیامبرگرامی اسلام با این عمل آنان را به اسلام جذب کرده و بذر تدین به دین اسلام را در دل‌هایشان می کاشتند.

۳. گردشگری مذهبی، ابزار تبلیغ دین اسلام

نوع بشر دارای قوه زیبایی طلبی است و از این رو به هنر و سازه های هنری علاقه و توجه نشان میدهد. همچنین نوع بشر به واسطه فطرت الهی که در وجود او به ودیعه نهاده شده، طالب و پذیرای آرامش حقیقی است و از آنجا که این آرامش در اتصال به معبود تبلور می یابد، مکانهایی که سرشار از اتصال پیوسته به خداوند متعال است، مملو از آرامشی است که هر بشری با هر دین و آیینی آن را به خوبی لمس می کنید، اگر چه خود در ظاهر مسلمان و خداپرست نباشد.

بنابراین یکی از اهداف اهداف مصرف زکات، تألیف قلوب است و هدف از تألیف قلوب، نه صرفاً تأمین امنیت و قدرت حکومت اسلامی، بلکه در درجه اول تبلیغ دین اسلام در میان غیرمسلمانان و تشویق آنان به گرایش به اسلام است. اولویت این هدف از این جهت حائز اهمیت است که میتوان به آن به عنوان یک قاعده کلی نگرسیست و چنین گفت که: استفاده از ظرفیتهای حکومت اسلامی اعم از مالی و غیرمالی برای گرایش غیرمسلمانان به اسلام امری جایز و مورد تأکید است؛ و از آنجا که در مصارف زکات که یک مقوله مالی است، تألیف قلوب در نظر گرفته شده است، به طریق اولی استفاده از ظرفیت های دیگر حکومت اسلامی و جامعه مسلمین جایز است، زیرا هیچ خصوصیت خاصی در

مسلمانان در طول تاریخ به دلیل اهمیت بالایی که برای مساجد قائل بودند و آن را خانه خدا میدانستند، از هر هنری در تزیین مساجد بهره برده اند. مساجد مظهر هنرهای متعالی است که عشق به معبود را به نمایش می گزارد. از این رو انواع هنرهای به کار رفته در مساجد، با پشتوانه ای فلسفی و حکمی برگرفته از باورها و ارزشهای دین اسلام، هر بینندهای را به خود جلب کرده و او را در لایه های عمیق اندیشه نهفته در هنرهای ساخته دست بشر مسلمان غرق میکند. همچنین از آنجا که رابطه حقیقی با معبود در عبادت مسلمان عابد به درگاه خدا تجلی میابد، آرامش حاصل از این ارتباط نیز در مساجد که جایگاه حقیقی عبادت هستند، پراکنده است. از این رو کسی که در این محیط قرار میگیرد، چنان غرق در آرامش معنوی محیط مسجد می شود که مشابه آن را در هیچ

فضا و محیط دیگری تجربه نکرده است. نمونه های مشابه این جاذبه های ظاهری و باطنی در حرم ائمه معصومین نیز وجود دارد.

بنابراین، حضور افراد غیر مسلمان در مساجد اسلامی و حرم امامان معصوم علیهم السلام باعث جذب آنان به اسلام و تفکر در اندیشه عمیق اسلامی و نوع نگرش آن به جهان هستی می شود و چه بسا، فرصتی را فراهم آورد تا در این مواجهه، افراد به اسلام گرایش یافته و مسلمان شوند.

در جهان کنونی که رسانه های معاند از هر سو علیه تفکر اسلامی دروغ پراکنی میکنند، حضور در مساجد و اماکن مقدس اسلامی به بهانه گردشگری، می تواند فرصت بی نظیری برای پاک سازی چهره اسلام از دروغها و فریبهای غول های رسانه های دنیا باشد. بنابراین از این جهت نیز گردشگری مذهبی و حضور غیر مسلمانان در اماکن مقدس اسلامی تحقق بخش تألیف قلوب و ایجادکننده ذهنیت خوب نسبت به اسلام و مسلمین در اذهان عمومی غیر مسلمانان است.

۴. تعارض میان ادله نجاست مشرکان و قاعده تألیف قلوب

یکی از موانع مهم بر سر راه حضور غیر مسلمانان در مساجد، مسئله نجاست آنان است؛ اما در این باره میان فقهای مسلمان اختلاف نظر است. شیخ طوسی در کتاب خلاف خود به بخشی از نظرات فقها در این زمینه اشاره کرده و میگوید:

دخول به مسجد الحرام و هر مسجدی از مساجد مسلمانان برای مشرکان جایز نیست، چه با اذن و چه بدون اذن. مالک بن انس نیز این را گفته است. شافعی

گفته است دخول آنها به مسجدالحرام در هیچ حالتی چه با اذن امام و چه بدون اذن او جایز نیست، اما آنها میتوانند با اذن به دیگر مساجد وارد شوند. ابوحنیفه قائل است که میتوانند به مسجدالحرام و حریم الهی و دیگر مساجد با اذن داخل شوند. [۹]

مجموع دیدگاهها در این باره را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- هیچ غیر مسلمانی حق ورود به مساجد مسلمانان را ندارد.
- غیر مسلمانان، تنها حق ورود به مسجدالحرام را ندارند.
- کافران اجازه ورود به هر مسجدی را دارند.

۵. بررسی ادله عدم جواز دخول غیرمسلمانان به مساجد

مهم ترین دلیل برای عدم جواز دخول غیرمسلمانان به مساجد، آیه شریفه ۲۸ سوره توبه است. در این آیه خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکاند، پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند». در این آیه مشرکان نجس تلقی شده اند و دلیل عدم جواز ورود آنها به مسجد الحرام نیز نجاست آنها در نظر گرفته شده است.

در این باره چند نکته قابل بررسی است. اول اینکه منظور از نجاست در این آیه چیست؟ دوم اینکه مشرکان چه کسانی هستند؟ سوم اینکه آیا این آیه مخصوص مسجدالحرام است و یا قابلیت تعمیم به دیگر مساجد را نیز دارد؟

فقه‌های پیشین، همچون شیخ طوسی معتقد بودند که نجاست در این آیه به همان معنای نجاست اصطلاحی در ابواب فقهی است. یعنی همان طور که مثلا خون نجس است، مشرکان نیز نجس هستند و از آنجا که نباید مسجد را نجس کرد، ورود این افراد به مسجد جایز نیست. [۹]

در پاسخ به این نظر، بسیاری چنین عنوان کرده اند که نجاست مد نظر در آیه، نجاست ظاهری نیست، بلکه نجاست و پلیدی باطنی است؛ بنابراین، این شیوه استدلال صحیح نیست، لذا ورود مشرکان یا کافران به مسجد الحرام یا دیگر مساجد از باب نجاست ظاهری نیست که بتوان با شستشو و یا ایجاد پوشش همچون جوراب و دستکش و... آن را مجاز شمرد.

اما سؤال دوم، خود به چند سؤال قابل تفریع است؛ نخست آنکه آیا کافران نیز مشرکانند و شامل این حکم میشوند یا نه؟ دیگر اینکه آیا اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان نیز مشرک هستند؟ بسیاری از فقیهان معاصر معتقدند که اهل کتاب مشرک اند، لذا مشمول حکم آیه مذکور میشوند.

صاحب جواهر در این باره مینویسد:

مشرک شامل یهودی و مسیحی نیز میشود به دلیل این سخن خداوند که می فرماید: «یهود میگوید: مسیح پسر خداست و مسیحی می گوید: موسی فرزند خداست... خداوند از آنچه به او شرک می ورزند مبرا است» و نیز خطاب خداوند به عیسی که فرمود: «آیا تو گفته‌ای من و مادرم را دو معبود بگیرد؟ و این سخن مسیحیان که می گویند: او سومین سه تاست. [۱۰]

علی رغم نظر صاحب جواهر در این مورد، ایشان در باب ازدواج با زنان اهل کتاب، استدلال به آیه «ولانتکحوا المشرکات» برای عدم جواز ازدواج با زنان اهل کتاب را نمی پذیرد و میگوید:

لأن المتبادر من الشرک فی اطلاق الشرع غیر اهل الکتاب، کما یؤیده عطف المشرکین علی اهل الکتاب و بالعکس فی کثیر من الآیات و هذا لاینافی اعتقادهم، ما یوجب الشرک، اذ لیس الغرض نفی الشرک عنهم، بل عدم تبادر من اطلاق لفظ المشرک. [۱۰]

اما طبق نظر مرحوم امام خمینی رحمته الله و برخی دیگر از فقه‌های معاصر، اهل کتاب از دایره مشرکان خارج اند و نمیتوان آنها را مشرک دانست. امام خمینی رحمته الله در این باره می نویسد:

«وکیف کان لایمکن لنا اثبات الشرک لجميع طوائفهم و مجرد القول بان عزیز ابن الله لایوجب الشرک» [۱۱]

ایشان با بیان اینکه مجرد گفتن عزیز فرزند خداست موجب شرک نمیشود، در مشرک بودن اهل کتاب تردید کرده و آن را نمی پذیرد. همچنین سید احمدی خوانساری در جامع المدارک می نویسد: «ونوش بعدم صدق المشرک علی جمیع اصناف الکافر علی نحو الحقیقه» [۱۲]

محقق اردبیلی نیز درباره دلالت آیه مذکور بر نجاست اهل کتاب مینویسد: «فدلالته علی الکلی موقوف علی اثبات کونهم جمیعا مشرکین و هو لایخلو عن اشکال» [۱۳] آیت الله خوبی نیز با بیان اینکه شرک دارای مراتبی است که آنچه در آیه آمده مرتبه خاصی از شرک را شامل می شود و این مرتبه در مقابل اهل کتاب است و آنها را در بر نمی گیرد، اهل کتاب را خارج از شمول آیه مذکور میدانند. [۱۴]

الحرام خصوصیت خاصی غیر از مسجد بودن بیان کرد و ثانیاً بتوان گفت که ورود کافران به مساجد به هر انگیزه‌های باشد، هتک حرمت مسجد و حرام است.

این در حالی است که هر دو ادعا دارای اشکال است، زیرا اینکه گفته شود مسجد الحرام غیر از مسجد بودن ویژگی دیگری را دارا نبود، ادعایی بیش نیست و قابل اثبات نیز نیست، زیرا ادله فراوان تاریخی اشاره به این دارد که مسجد الحرام نزد مشرکان از اهمیت بالایی برخوردار بود و آنها نسبت به آن حساس بودند و اینگونه نیست که خصوصیت دیگری جز مسجد بودن در مسجد الحرام نباشد و از آنجا که احتمال خصوصیت برای ایجاد اختلاف در حکم کافی است، می توان ادعا کرد که حکم مذکور فقط مختص مسجد الحرام است و شامل همه مساجد نمی شود. علاوه بر اینکه مسجد الحرام در فقه دارای احکام خاص خود از مستحبات و محرمات و مکروهات است، بنابراین دارای ویژگی خاصی است که آن را از دیگر مساجد متمایز می کند.

نکته حائز اهمیت دیگر در این باره این است که عبارت مسجد الحرام در این آیه به معنای خصوص مسجد نیست، بلکه همچون آیه معراج به معنای حرم است؛ ذیل آیه مذکور نیز قرینه بر این مدعاست. اگر پذیرفتیم که عبارت مسجد الحرام در این آیه به معنای تمام حرم است، به مراتب ویژگی خاص برای مسجد الحرام آسان تر اثبات می شود، زیرا حرم از مکانهایی است که احکام ویژه خاصی دارد که در هیچ مکان مقدس دیگری آن احکام جاری نیست.

نکته دیگر این است که ورود کافران به مساجد به هر انگیزه ای به معنای توهین به مسجد و هتک حرمت

با توجه به بیان فقها در این باره میتوان چنین نتیجه گرفت که آیه شریفه همه کافران را در بر نمی گیرد و اهل کتاب قطعاً از دایره شمول آیه خارج هستند. بر این اساس و با توجه به اینکه بخش اعظم گردشگران دنیا را اهل کتاب و به ویژه مسیحیان تشکیل میدهند، میتوان مستند به ادله فقهی معاصر که به آنها اشاره شد، ورود اهل کتاب به مساجد و اماکن مقدس را جایز دانست، بلکه با عنایت به فایده فراوان ورود این گردشگران به اماکن مقدس از جهت اقتصادی، فرهنگی و تبلیغ دین اسلام، این موضوع اهمیت نیز یافته و چه بسا بتوان آن را مورد تأکید نیز قرار داد. سومین سؤال در این بخش مربوط به اختصاص حکم آیه ۲۶ سوره توبه به مسجد الحرام است.

عمده فقها با تعمیم حکم و الغای خصوصیت از مسجد الحرام، ورود مشرکان به هر مسجدی را غیرمجاز دانسته اند. صاحب جواهر در این باره مینویسد:

مضافاً الی ما استفاد من التفریع فی الآیة للاشتراک و بین غیره من المساجد ایضاً خصوصاً مسجد النبی و غیره من المساجد ضرورة اعتبار التعظیم فیها اجمع. [۱۰]

علامه حلی نیز با تأکید بر حرمت مسجد، حکم آیه را بر دیگر مساجد سرایت داده و می نویسد: «لأنه مسود فلا يجوز لهم الدخول كالحرم». [۱۵]

عمده ادله فقها در این زمینه بر این پایه استوار است که جایگاه والا و محترم مسجد، ملاک عدم جواز ورود مشرکان به آن است و این ملاک اختصاص به مسجد الحرام ندارد و شامل همه مساجد میشود. تنها در صورتی میتوان این استدلال را پذیرفت که اولاً نتوان برای مسجد

مسجد نیست، زیرا میتوان بر ورود آنان به مساجد فایده عقلایی و قابل قبول تصور کرد به گونه ای که ورود آنها به مسجد در اذهان عموم هتک حرمت مسجد تلقی نشود. به علاوه اینکه وقتی مشمول نجاست از همه کافران و به ویژه اهل کتاب برداشته شد، ورود آنها به مساجد نمی تواند مصداق هتک حرمت تلقی گردد.

نتیجه

از آنچه ذکر شد چنین بدست میآید که «تألیف قلوب» اختصاص به انفاق مالی زکات ندارد و می توان با الغای خصوصیت، حکم را بر هر عملی که موجب تبلیغ و تقویت دین اسلام شود، تعمیم داد. همچنین از آنجا که اهل کتاب از شمول آیه نجاست کفار خارج اند، می توان اجازه ورود آنها را به اماکن مذهبی و مقدس همچون مساجد داد.

علاوه بر این، وجود انگیزه و هدف متعالی در این زمینه می تواند ورود این افراد را به اماکن مقدس را از دایره توهین و هتک حرمت مساجد خارج کند. با عنایت به اینکه کشور ایران در منطقه غرب آسیا و در احاطه ی کشورهای آسیایی و اروپایی قرار گرفته، گردشگران بی شماری از سراسر دنیا که غالب آنها اهل کتاب هستند، تمایل به سفر به ایران را دارند. این فرصت بی نظیر، می تواند با

بهره گیری از اماکن مقدس به ویژه مساجد باعث شکوفایی و رشد و توسعه اقتصادی حکومت اسلامی و تقویت جایگاه آن در عرصه ی بین الملل گردد و دین اسلام را دینی رحمانی، همراه با درک عمیق از عناصر زیبا شناختی جهان هستی معرفی کرده و غیر مسلمانان را به اسلام ترغیب کند.

بهره مندی از این فرصت نیازمند برنامه ریزی مسئولان وزارت گردشگری در راستای ترویج گردشگری حلال و تدوین شیوه نامه حضور در اماکن مقدس مذهبی برای غیر مسلمانان است. همچنین اطلاع رسانی و تبلیغ رسانه ای این فرصت بی نظیر گردشگری، می تواند جمع کثیری از گردشگران کشورهای مختلف دنیا را به اماکن مقدس اسلامی به ویژه در کشور ایران سرازیر کند.

تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی باشد.

Research article Journal of Halal Research/ 2020; 2(2): 77-87

The Jurisprudential Rule of Reconciling the Hearts as a Strategy for the Development of Halal Tourism

Hossein Adabi^{1*}, Ghasem Noorbakhsh²

1- Researcher and teacher of Khorasan seminary, Mashhad, Iran

2- Graduate of level 3 of Khorasan seminary Expert, Mashhad, Iran

Received: 31 May 2019

Acceptance: 1 September 2019

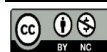
ABSTRACT

The Islamic system has faced many problems in recent years, most of them are due to the oil-dependent economy. Halal tourism is one of the branches of economic activity that can guarantee the development of non-oil economy in the country. On the other hand, the high capacity of the mosques and sacred places of worship, such as the shrines of Imams, is a unique opportunity for Halal tourism, which, if opened to non-Muslim tourists, generates a great deal of added value in the economy and leads to preaching of Islam and pure Islamic culture. Regarding the prohibition of the polytheists and disbelievers to enter the mosques and the holy shrines of the infallibles, this paper uses a descriptive method to explain the jurisprudential rule Reconciling the Hearts and its use for the development of halal tourism by providing jurisprudential permission for the People of the Book to enter the mosques and Islamic sacred places. By examining the proofs of reconciling of the hearts as well as the arguments of the inability of the polytheists to enter the mosques, it was finally concluded that the People of the Book, who constitute the major part of foreign tourists, are excluded from the verses that prohibit the entering of those people to mosques. In this way, appropriate investment and targeting as well as using the beautiful artistic features and unique spiritual calm of those places, can be helpful for developing the halal tourism and the endogenous economy in the country and causes preaching Islamic culture to others.

Keywords: Reconciling the hearts; Non-oil economy; Mosque; Halal Tourism; Religious Tourism.

* Correspondance to: Hossein Adabi, Adabial@gmail.com
[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.104821>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

References

- [1]. Holy Quran. [In Persian]
- [2]. Abolfazl Shakuri, 1361. Political Jurisprudence, Tehran: Nora Publishing. [In Persian]
- [3]. Shaykh Tusi, 1409 Ah, Al-Tibbyan Fi Tafsir al-Quran, 1409, Beirut, Dar Al Ahya Al-Taras Al-Arabi [In Arabic]
- [4]. Yusuf al-Bahrani.1405, Al-Hadaeq Al-Nazerah, 9. Qom, Islamic Publishing Institute [In Arabic]
- [5]. Mohammad Ibn Jamal Al-Din Maki Amoli, 1401 Ah, Al-Bayan, Qom, Hazrat Mahdi Cultural Foundation. [In Arabic]
- [6]. Muhammad Jawād Maghniyah, 1425 Ah, Dar-Al-Toyur-Al-Jadid, Beirut. [In Arabic]
- [7]. Ruhollah Khomeini, 1425Ah, Tahrir al-Wasilah, Tehran, Institute for Organizing and Publishing Works, Imam Khomeini [In Persian]
- [8]. Agha Zia ol Din Araghi, 1400 Ah, Sharh-Tabdareh, Qom, Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- [9]. Shaykh Tusi, 1396 Ah, Al- Khalaf,Qom, Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- [10]. Muhammad Hasan al-Najafi, 1422 Ah, Jawahir al-Kalam, Beirut , Dar-Al-Ehya Al-Taras-Al-Arabi.[In Arabic]
- [11]. Ruhollah Khomeini, 1358 Al-Taharat, Organizing and Publishing Works, Imam Khomeini [In Arabic]
- [12]. Seyed Ahmad Khonsari, 1355, Jameh Al-Madarek Fi-Sharh Al-Mokhtasar Al-Nafe Qom, Ismaelian Institute. [In Arabic]
- [13]. Ahmad ibn Muhammad Ardabili, Majma Al-Faedat va Al-Borhan. Qom, Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- [14]. Ali Gharavi, 1407, Al-Tanghah fi SharhAL-Orvate Al-Vosgha, Taghrir Al-Bahs Abu al-Qasim Khoei, Qom, publication.[InArabic]
- [15]. Allamah Al-Hilli, Tadhkirat al-Fuqahā, Sangi Publication. [In Arabic]